

نکاتی چند راجع به اصول و دیدگاه‌های نهضت ترقی و دموکراسی افغانستان

اخیراً با یکی از اعضای شورای رهبری نهضت ترقی و دموکراسی افغانستان در کابل تماس گرفتم و طرح مبنی بر ایجاد سازمان سیاسی جدید را به نام نهضت ترقی و دموکراسی در افغانستان برایش تبریک گفتم. دوست مذکور از من خواش کرد تا نظریات خود را راجع به طرح ابراز کنم. این جانب در حالی که اقدام دست اندرکاران نهضت ترقی و دموکراسی را مبنی بر ارایه طرح مفید و قابل قدر میدانم اینک غرض تکمیل و غنای بیشتر آن نظرها و پیشنهادهای مشخص خدمت دوستان و رفقای هم‌رزم تقدیم میدارم.

واقعاً این کار رفقا و دوستان داخل کشور برایم جالب و مایه خوشی بوده است، دیدگاهها و خط مشی سیاسی نهضت ترقی و دموکراسی افغانستان را مورد مطالعه قرار دادم. به نظر من طرح مذکور به طور کل حاوی اهداف و وظایف عام مترقی و دموکراتیک‌ست که در مرحله موجود با نیازهای مردم افغانستان قسماً مطابقت دارد. علاوه بر این در طرح کمبودها و نکته‌های مبهم به ویژه در بخش اصول و دیدگاههای نهضت که بر اساس آن اهداف و خط مشی نهضت ترقی و دموکراسی افغانستان پی ریزی گردیده است به مشاهده میرسد:

۱- در مقدمه طرح نوشته شده است که: «نهضت ترقی و دموکراسی افغانستان خود را ادامه دهنده مبارزات مترقی و دموکراتیک و دادخواهانه جنبشهای پیشین کشور میدانند.» اما در طرح حد اقل از حزب دموکراتیک خلق افغانستان و آرمانهای مترقی و مردمی آن هیچ نامبرده نشده است. در حالی که ما و شما همه اعضای آن حزب بودیم، آن حزب بیش از دو دهه (سه) برای ترقی و دموکراسی در کشور مبارزه کرد و هزاران فرزند قهرمان خود را در این راه از دست داد. اما این که در رهبری و صفوف آن چندتن منحرف و خاین جاگرفته، حزب را به بیراهه کشیدند و از نام آن سوء استفاده کردند گناه هزاران عضو صادق حزب نبوده است.

از جانب دیگر در طرح از اشتباهها و کجرویهای جنبش مترقی گذشته کشور صرفاً یاد شده، مشخص نگردیده است که کدام کجرویهها و اشتباهها؟ بناً فهمیده نمیشود که نهضت ترقی و دموکراسی افغانستان از کدام تجارب جنبشهای گذشته کشور می آموزد و آن را سرمشق مبارزات خود قرار میدهد.

نهضت ترقی و دموکراسی افغانستان در این سند تاریخی خود تجارب مهم و حیاتی نسل گذشته را باید برای نسلهای موجود و آینده کشور به طور روشن و واضح انعکاس دهد، تا آنها در فعالیتهای عملی خویش دچار اشتباههای تکراری و خطا نشوند.

۲- مشخصه عمده دوران ما را تضاد میان منافع خلقها و امپریالیزم تشکیل میدهد. امپریالیزم دشمن ترقی و دموکراسی مردمیست. در طرح در این مورد هیچ اشاره یی نشده است و موضع نهضت ترقی و دموکراسی افغانستان در زمینه روشن نگردیده است، شاید منظور دست اندرکاران نهضت این بوده باشد که در شرایط موجود جامعه افغانی، ما نمیتوانیم بورژوازی غیرامپریالیستی را نفی کنیم و موجودیت آن برای انکشاف عمومی جامعه مفید و ضروریست. اما این بدان معنی نیست که نهضت با هر نوع اشکال تاریخی بورژوازی به ویژه امپریالیزم نیز توافق داشته باشد.

امپریالیزم غیردموکراتیک ترین و وحشی ترین شکل تاریخی کاپیتالیزم است که امروز در برابر تمام ارزشهای مترقی دموکراتیک بشریت قرار گرفته است و نهضتهای واقعاً مترقی، دموکراتیک و مردمی علیه آن مبارزه میکنند.

گرچه در طرح نهضت ترقی و دموکراسی افغانستان، تشنج آفرینی و تروریزم به طور کل محکوم گردیده اما موضع نهضت در قبال جنگهای منطقه یی و اشغالگرانه امپریالیزم که تحت نام مبارزه علیه تروریزم پیشبرده میشود روشن و واضح نشده است، همچنان در طرح عوامل اساسی تداوم جنگ در افغانستان که با سیاستهای تجاوزکارانه، اشغالگرانه و تحریک آمیز قدرتهای امپریالیستی جهان و نوکران منطقه یی آنها توأم است، تصریح نگردیده است، مردم افغانستان طی سه دهه است که فریاد میکشند تا هرچه زودتر صلح، ثبات و امنیت در کشور تأمین گردد. جامعه بین المللی نیز در زمینه وعده های زیاد داده است. اما این ارمان بزرگ مردم افغانستان به بهانه های مختلف تحقق نمییابد.

- آیا ماشین نظامی بزرگ حاکم موجود در افغانستان (امریکا و ناتو) قادر به

تأمین نظم و امنیت در کشور نیستند؟

- آیا جنگ‌های به اصطلاح مقدس دیروز (جهاد) و تمام فعالیت‌های نظامی مجاهدین و طالبان توسط همین نیروهای حاکم موجود در افغانستان رهبری و سازماندهی نمیگردید؟

- آیا همین‌ها نبودند که میگفتند که اگر ح‌دخ‌ا (کمونیست‌ها) از قدرت کنار روند و حکومت مجاهدین به وجود آید همه چیز‌ها در افغانستان گل و گلزار می‌گردد.

- آیا امروز نیز رشته‌های اصلی (سرنخ‌های) جهاد طالبان در دست‌ان خود نیروهای حاکم موجود قرار ندارد؟

مردم افغانستان حق دارند شک کنند که تداوم جنگ و بی‌نظمی در کشور به هر نام و نشان که صورت می‌گیرد به نفع آنها نی‌بل که بهانه‌ی بی‌تداوم و قانونی ساختن حضور نظامی نیروهای حاکم خارجی در کشور است!

نهضت‌های ترقی و دموکراسی افغانستان از این واقعیت‌های عینی جامعه، منطقه و جهان نمیتوانند چشم‌پوشی کنند. فکر میکنم خواست تأمین بی‌قید و شرط صلح و امنیت در کشور ما خلع سلاح عام و تام نیروهای تشنج‌آفرین جهادی - طالبی و غیرنظامی ساختن قدرت در افغانستان عمده‌ترین و عاجل‌ترین هدف و وظیفه نهضت‌های واقعاً مترقی و دموکراتیک کشور است که باید در سرخط وظایف و اهداف برنامه‌ی آنها قرار گیرد.

۳- در طرح از مسایل بسیار عام مانند: منافع ملی، مصالح‌علیای کشور، آزادی فرد، انسان و انسانیت دفاع شده است اما این مسأله مشخص نگردیده است که نهضت ترقی و دموکراسی افغانستان در موضع دفاع از منافع کدام کته‌گوری انسان جامعه ما قرار دارد؟ انسان حاکم یا محکوم، ستمگر یا تحت ستم، زحمتکش یا استثمارگر و غارتگر؟؟؟ !!!

فعلاً ما عملاً با یک کشور اشغال شده توسط قوای خارجی سر و کار داریم، در قدرت و حاکمیت بیشترین نیروهای وابسته به قوای خارجی جا گرفته اند که خود را مدافع و ممثل منافع ملی و دموکراسی و آزادی انسان میدانند. این‌ها همه در کته‌گوری انسانها و افراد حاکم ثروتمند جامعه افغانی قرار دارند، آنها با آزادی کامل و دست‌ان باز انسان فقیر و نادار جامعه را غارت میکنند، زحمتکشان (مردم) را فریب میدهند و آنها را به اطاعت «قانونی» و فرمانبرداری خود مجبور می‌سازند.

آیا میان علایق اجتماعی - اقتصادی زحمتکشان و فقیران جامعه و علایق ثروتمندان و حاکمان تفاوت عینی وجود ندارد؟ در حالی که در طرح نهضت ترقی و دموکراسی نوشته شده است که: انسانهای جامعه ما صرف نظر از علایق اجتماعی، اقتصادی، جنسی و . . . دارای حقوق برابر شهروندی و مدنی اند! فکر میکنم این مسأله در طرح درست انعکاس نیافته است. ما نمیتوانیم از علایق اجتماعی - اقتصادی متفاوت اتباع (شهروندان) کشور صرف نظر و یا چشم پوشی کنیم، ثروتمندان و سرمایه داران حاضر نیستند از علایق (منافع) خود صرف نظر کنند، به همین شکل علایق (منافع) اجتماعی - اقتصادی زحمتکشان نیز قابل انصراف نیست!

شهروندسازی باشنده گان کشور کار تاریخی دولتهای بورژوازی بوده است، بورژوازی با این کار تفاوتهای عینی میان علایق (منافع) اقتصادی - اجتماعی زحمتکشان را با علایق و منافع خود انکار کرده و نظام استثمار و ظالمانه خود را عادلانه و دموکراتیک معرفی میکند.

دفاع از حقوق شهروندی انسان جامعه یک وظیفه عام اجتماعی احزاب و سازمانهای دموکراتیک است که در چارچوب آن زحمتکشان فقط فرصت پیدا میکنند تا علایق و خواستههای دادخواهانه و دموکراتیک شان را مطرح کنند. این خواست و علایق همانا منافع طبقاتی و صنفی آنهاست که متأسفانه در طرح نهضت ترقی و دموکراسی افغانستان از آن صرف نظر شده است.

۴- در ماده پنجم طرح چنین آمده است که: «نهضت ترقی و دموکراسی خواهان برابری و تساوی حقوق اقوام ساکن کشور است.» فکر میکنم این طرح مغایر اصول دموکراسی و برابری حقوق شهروندی (اتباع) کشور است. اقوام کوچک با اقوام بزرگ حقوق برابر شهروندی نمیتوانند داشته باشند. از جانب دیگر مفهوم برابری و آزادی اقوام با آزادی و برابری شهروندان (اتباع) کاملاً تفاوت دارد. در آزادی قوم (اقوام) تنها یک بخش از شهروندان یعنی ثروتمندان و حاکمان قوم آزادی دارند، در حالی که برای سایر اعضای قوم حقوق برابر داده نمیشود. این کار در زمان دولت دموکراتیک در افغانستان نیز چندان درست عملی نگردید، به نام برابری و آزادی اقوام، صرف چندتن سران و ثروتمندان اقوام کشور در وزارت اقوام و قبایل برای دریافت امتیازهای بیشتر مادی و سیاسی ثبت نام

کردند که از نام تمام اعضای قوم مربوط با دولت در زد و بند قرار داشتند ولی انسان زحمتکش و فقیر اقوام کشور از هیچ نوع برابری حقوقی و آزادی برخوردار نگردید.

۵- در ماده ششم طرح، نهضت ترقی و دموکراسی خود را طرفدار انکشاف و رشد متوازن اقتصادی و اجتماعی نشان میدهد و از رشد لجام گسیخته و نامتوازن انتقاد میکند، اما در مورد معادله اجتماعی - اقتصادی جامعه افغانی سکوت اختیار میکند و اصل مسأله (انکشاف) را به شکل عام و نامشخص مطرح میکند!

انکشاف و رشد ثروتمندان چه به طور متوازن و چه به طور نامتوازن در زنده گی زحمتکشان افغانستان چه تأثیر مثبت خواهد داشت؟
همچنان در طرح به نقش، جا و مقام نیروهای اساسی تولید یعنی کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان در ماشین تولیدی موجود جامعه افغانی هیچ تماس گرفته نشده و به رشد و انکشاف «متوازن» آنها تأکید به عمل نیامده است!

جای بسیار تأسف است که نیروهای اساسی تولید جامعه ما هنوز سازمانهای صنفی و اجتماعی خود را طوری که لازم است ایجاد نکرده اند و یا به آنها این فرصت داده نمیشود. قوانین کار در کشور وجود ندارد و یا درست عملی نمیگردد. نهضت ترقی و دموکراسی افغانستان نیز برای ارتقای سطح آگاهی عمومی، سیاسی و مسلکی نیروهای اساسی تولید جامعه کدام طرح مشخص ارایه نکرده است! در طرح صرفاً به رشد و انکشاف «متوازن» به طور عام اکتفا گردیده است.

۶- در طرح راجع به پایگاه اجتماعی، نهضت ترقی و دموکراسی از یک طرف خود را سازمان سیاسی متعلق به تمام «مردم» افغانستان معرفی میکند و از جانب دیگر از اصول دموکراسی بورژوازی و جامعه مدنی دفاع میکند و تأکید مینماید که برابری حقوقی شهروندان هدف اصلی نهضت ترقی و دموکراسی را تشکیل میدهد.

به نظر من در این جا یک عدم صراحت و تناقض وجود دارد. در جوامع طبقاتی به ویژه در شرایط سلطه امپریالیزم ماهیت اصطلاح مردم فرق میکند و این واژه معمولاً به اقشار و طبقات زحمتکش و تحت ستم جامعه اطلاق میگردد. سازمان متعلق به مردم ناگزیر، اقشار و طبقات زحمتکش جامعه را به حیث پایگاه اجتماعی اصلی خود تعیین میکند، این کار متأسفانه در طرح نهضت ترقی و دموکراسی افغانستان وضاحت ندارد، شاید منظور دست

اندرکاران نهضت این باشد که تمام شهروندان کشور پایگاه اجتماعی نهضت ترقی و دموکراسی افغانستان را تشکیل میدهند که این خود یک طرح کاملاً بورژوازیست و با طرحها و ادعاهای نیروهای راست حاکم جامعه کدام تفاوت اساسی ندارد.

نهضت یا سازمان واقعاً مترقی و مردمی میتواند تعلقیّت اجتماعی - طبقاتی و تاریخی خود را با صراحت حفظ کند بدون آن که موجودیت سایر نیروهای اجتماعی طرفدار ترقی و دموکراسی را در شرایط ویژه جامعه افغانی نادیده بگیرد.

علاوه بر این در طرح، اهداف و وظایف اصلی و فرعی، عمده و غیرعمده و بالاخر استراتژی و تاکتیکی نهضت ترقی و دموکراسی افغانستان صراحت و وضاحت ندارد تا برمبنای آن امکان اتحادها و ائتلافهای سیاسی سازمانی با آن تحقق پذیرد.

۷- در عرصه ساختمان سازمانی و تشکیلاتی، نهضت ترقی و دموکراسی دچار اشتباه عمیق گردیده است، در طرح پلورالیزم اندیشه‌ی بی‌هیچ‌کس به حیث یک اصل سازمانی نهضت پذیرفته شده است. در حالی که رعایت این اصل در سازمان سیاسی کل جامعه یعنی دولت و یا در اشکال دیگر اتحادها و ائتلافهای سیاسی - دموکراتیک مانند: جبهه، اتحادیه، ائتلاف و . . . مطرح است نه در یک حزب یا سازمان سیاسی مشخص، و این امر از یک طرف مظهر دموکراسی و آزادی بیان و عقیده است و از جانب دیگر مستلزم استقلال سازمانی و تشکیلاتی اعضای شامل اتحاد و ائتلاف سیاسی میباشد.

پذیرش اصل تعدد اندیشه‌ی بی‌(پلورالیزم) در یک سازمان سیاسی وحدت سازمان را از میان میبرد. سازمان سیاسی (حزب) بر اساس وحدت اندیشه‌ی بی - سیاسی به وجود می‌آید نه بر اساس تنوع یا تعدد اندیشه‌ی بی یا پلورالیزم اندیشه‌ی بی!

شاید نهضت ترقی و دموکراسی افغانستان شکل ویژه سازمان سیاسی باشد که موجودیت سازمانهای جداگانه و مستقل سیاسی را در داخل خود میپذیرد! اما این مسأله در طرح صراحت ندارد.

۸- در این جا قابل تذکر میدانم که از مدت سه سال به این طرف نهضت آینده افغانستان طرحهای مرامنامه و اساسنامه «حزب مردم افغانستان» را پیش کشیده است. این طرحها نیز در میان محافل و حلقه‌های متعدد بازمانده‌های جنبش چپ کشور مورد بحث و مطالعه قرار گرفت و انعکاسهای گوناگون به میان آورد. تعدادی طرح مذکور را زیاد چپ، بنیادی و استراتژیست میپندارند و عده‌ی بی‌از آن به گرمی استقبال کرده و به تکمیل بیشتر

آن تأکید مینمایند، فکر میکنم همچو طرحها و اقدامها که دارای نکات مشترک فراوانی هستند میتواند پایهٔ اساسگذاری جنبش ترقی و دموکراسی واقعی افغانستان قبول گردد و یا این که طرحهای مذکور به موضوع بحث و دیالوگ نیروهای مترقی و دموکراتیک کشور مبدل گردد.

نهضت آیندهٔ افغانستان هم اکنون مصروف آماده ساختن و ارایهٔ طرح برنامهٔ مقطعی حزب مردم افغانستان میباشد و با پیش کشیدن آن شاید سوالها و اندیشه های متضاد میان طرحهای بازمانده های جنبش چپ دیروز کشور تا حدود حل گردد و زمینه های عینی انسجام و تشکل آنها در یک سازمان سیاسی واحد مترقی و دموکراتیک افغانستان به وجود آید. در طرحهای برنامه یی نیروها، احزاب و نهضتهای سیاسی مترقی و چپ افغانستان امکانها و وجوه فراوان مشترک برای اتحادهای سیاسی و وحدت سازمانی وجود دارد که از آن باید به خاطر تحقق اهداف مشترک مردم افغانستان وسیعاً و صادقانه استفاده به عمل آید.

برای تان در اجرای وظایف تاریخی موفقیت آرزو میکنم!

www.ayenda.org